

رساله

تجدید سازی در فقه شیعه

بحثی تحلیلی - استدلالی پیرامون مبانی فقهی

هنر مجتهد سازی در اسلام

تألیف:

استاد حجت ملکی

شابک

۹۷۸-۶۰۰-۷۹۴۸-۰۱-۹

شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۴۰۲۳۸

عنوان و نام پدیدآور : رساله مجسمه‌سازی در فقه شیعه: بحثی تحلیلی - استدلالی پیرامون

مبانی فقهی هنر مجسمه‌سازی در اسلام

شخصت نشر

: تهران: آیین معنویت، ۱۳۹۶.

مخصات ظاهری

: ۱۴۴ص.

یادداشت

: فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل

دسترسی است

سرشماره

: لکی، حجت، ۱۳۵۲ -

وضعیت فهرست‌ویسی: فبیان - مختصر

عنوان کتاب: مجسمه‌سازی در فقه شیعه

نویسنده: حجت‌الملک

انتشارات: تهران، آیین معنویت

سال چاپ و نوبت نشر: ۱۳۹۶ - ۱

مشخصات ظاهری: ۱۴۴ صفحه

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰.۰۰۰ ریال

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۴۸-۰۱-۹

تلفن: ۰۲۱۶۶۹۷۴۰۶۸ تلفن همراه: ۰۹۱۲۳۹۰۸۲۱۶

صندوق پستی: ۱۴۱۵۸ - ۸۳۵۸۱

Email: h_nikimalaki@yahoo.com

مقدمه

سازن از زمانی که پا بر روی کره خاکی نهاد با دیدن طبیعت و مناظر، همچنین هم نوعان خویش به زیبایی پی برد؛ به همان چیزی که دوسری آن سرسخت وی به ودیعت گذارده شده بود. علاقه به هنر که از همین زمان با ناختی او نشأت می گرفت وی را بدنبال راهی برای حفظ آثار زیبای قرار داد.

او دریافت که با استاده از طبیعت می تواند استعدادهای نهفته خویش را شکوفا کند.

با گل و سنگ و هر چه قابلیت تبدیلی شدن داشتند، آثاری را بوجود آورد و سعی داشت اشکالی را بیافریند تا ماندگار شده و خاطرات وی را زنده نگاه دارد. رنگها را دید و برای کشیدن طرحها و نقشهای حقیقی و خیالی بهره جست. در این حال روزگار سپری کرد و روز به روز به هنرش افزوده گشت و کار به چوب و سنگ و رنگهای گوناگون کشید. چنان پیشرفت که تندیسها و نقاشیهایی خلق کرد که چشم هر بینندهای را می نواخت.

لکن این حس زیبا دوستی وی پا به عرصه اغراق و تقدس گرایی

گذارد؛ حفظ و نگهداری خاطرات گذشتگان و بزرگانی که برای وی گویای صلابت، شجاعت، نیکی و احسان بودند، کار به تقدیس آثار کشاند. ساختن و پرداختن تندیس‌ها و طراحی نقش‌های مختلف انگیزه‌های دیگری پیدا کرد، که همین دستاویز جاهلان و بی‌خردان شد. که برای ارضاء حس تقدس‌گرایی خود به سوی این خلائق بی‌جان بی‌اراد، رهنمون گردند.

خداوند متعال پادشاهان بسیاری جهت هدایت این دسته از انسان‌ها که در پی پرستش این آثار بودند، فرستاد؛ آنان انسان‌های مجسمه پرست را با نصیحت سرزنش و سفارش به عبرت‌گیری از گذشتگان، به راهی راست هدایت می‌کردند ولی جاهلان هنوز از این تمثال‌ها، نفع و ضرر می‌طلبیدند.

اغراض مختلفی بود که سبب مخالفت انسان‌ها با چنین هنری شد. شرع مقدس اسلام با توجه به همین مسائل مخالفت با حرام اعلام نمود؛ چرا که دیگر مجسمه را برای هنر نمی‌خواستند. بلکه این فعل تشبیه و تجسیم خالق هستی به حساب می‌آید و همین اسباب باعث می‌شود که ساخت مجسمه و تندیس تحریم گردد.

با رشد عقلانی بشر دیگر کسی برای پرستش و نه به عنوان تشبیه

به خالق، مجسمه نمی‌سازد؛ بلکه آن را هدفی برای نشان دادن زیبایی و بیان هنر قرار می‌دهد.

تحریم مجسمه‌سازی در دین اسلام از مواردی است که نسبت به آن ادعای اجماع شده است و علمای دین - هر چند در برخی جهات متفاوت - فتاوی‌ها حاکم داده‌اند. لکن با بررسی ادله و اقوال ایشان، سؤالات رباعی‌ها متعددی مطرح می‌گردد. اختلاف در آیات و روایات از دیگر مواردی است که وضوح حکم حرمت را با مشکل روبرو می‌سازد.

- آیا هنر فی نفسه در اسلام مردود است؟

- هنر تا چه حدی در اسلام مقبول است؟

- آیا مجسمه‌سازی به عنوان یک هنر در اسلام حکم جواز را دارا

باشد؟

- تصویرگری و نقاشی با مجسمه‌سازی از نظر شرعی چه

ارتباطی دارند؟

- اختلاف آیات و روایات چگونه قابل حل است؟

- موجودات ذی روح و بی روح در این حکم چه تفاوتی دارند؟

- چگونه است که مجسمه کامل و ناقص از نظر حکم باهم

اختلاف دارند؟

اینها و دیگر مواردی که به ذهن هر خواننده‌ای می‌رسد سؤال‌هایی است که باید پاسخ داده شوند. لکن در این مقال آنچه مهم بوده و باید بدان پرداخته شود این است که مجسمه‌سازی از منظر یک هنر دیده شود و با صرف نظر از عللی که در ظاهر برخی روایات است، مبری جایز و مباح به شمار آید.

در هر صورت پذیرفتن این مطلب که عقل بشر رشد کرده است و دیگر به دنبال خرافات نیست، بلکه عدم پذیرش پرستش مجسمه‌های سنگی و چوبی و از آن بالاتر مانند یک تصویرگر در جایگاه خالق هستی، مشکل نیست. در دنیای امروز دیگر کسی را نمی‌توان یافت که مجسمه‌ای بسازد و خود را شبیه خالق جهان بداند؛ دیگر قبول این دست مسائل برای انسانها سخت و بلکه محال است.

دید انسان مدنی به هنرهایی مانند ساخت تندیس داده کاری روی چوب و فلز، نقاشی، به عنوان هنرهای تجسمی است. اگر آنرا به عنوان غرض از حرمت بیان شده صحیح باشد، با توجه به مطالب فوق دیگر حکم به حرمت خالی از اشکال نیست. همچنین با آنچه که در کتب فقهی و اصولی با عنوان تأثیر زمان و مکان در فقه از آن یاد

می‌شود، طرح مسأله و بررسی آن لازم می‌نماید.

تاریخچه مجسمه‌سازی و نقاشی

پیدایش مجسمه‌سازی و نقاشی به عنوان یک هنر و فن، تقریباً همراه با تاریخ پیدایش بشر است. مدارک و شواهد معتبر دینی و تاریخی نشان می‌دهند که پیدایی تندیس و مجسمه خبر می‌دهند. از محکم‌ترین اسناد در بیان پیشینه پیدایش مجسمه و هدف خالقان آنها، آیاتی است که در قرآن کریم از گذشته‌های دور خبر می‌دهند. قرآن مجید، در ضمن بیان گذشته‌ها، اقسام پیشین و اشاره به آیین‌ها و ادیان شایع در بین آنها به طور مکرر از جریان بت پرستی ملل گذشته سخن به میان می‌آورد.

آنچه که در آیات گفته شده است: اصنام راونان تماثیل است که عبارتند از:

بت‌هایی که از گل و فلز و سنگ و غیره ساخته می‌شوند و به عنوان الهه مورد پرستش قرار می‌گرفته‌اند. در برخی از آیات قرآن به اسامی این بت‌ها اشاره می‌شود. مانند: ودّ، سواع، یغوث، یعوق، نسر. قبل از حضرت نوح و در دوره آن حضرت، در زمان حضرت ابراهیم

و حضرت موسی علیه السلام و در اعصار دیگر تاریخ، مجسمه سازی با هدف پرستش شیوع داشته است. در روایات دیده می شود که عمل مجسمه سازی از زمان مرگ حضرت آدم علیه السلام بوجود آمد و تا ظهور اسلام در حجاز، در طول تاریخ و همه ادوار زندگی بشر عمل تصویر و تندیس سازی در اقسام و انواع گوناگون مرسوم و شایع بود و حتی در زمان عشت علیه السلام همانگونه که از احادیث و تاریخ استفاده می شود، ۳۶۰ سال بعد از تولد امام سال، دور کعبه را احاطه کرده بود^۱.

علامه مجلسی از سید بن طاووس به چنین نقل می کند:

«قال سمعت أبا جعفر علیه السلام يقول في مسجد النبي صلى الله عليه وآله: ان ابليس اللعين هو أول من صور صورة علي مثل آدم عليه السلام ليفتن به الناس ويضلهم عن عبادة الله تعالى، الحديث»^۲

برید بن معاویه گفت که از امام باقر علیه السلام در مسجد النبی شنیدم که می فرمود: اولین فردی که صورتی را تصویر کرد، ابلیس ملعون بود که مجسمه آدم علیه السلام را ساخت تا مردم را به واسطه آن پیر شرک کند و از عبادت خدا گمراه کند.

پس تاریخ پیدایش تندیس، به گواهی احادیث به زمان آدم علیه السلام

۱. الخرائج و الجرائح: ۱، ۹۷، الأملی (طوسی): ۶۸۳/۳۳۶، حدیث ۲۳.

۲. قصص الأنبياء: ۷۱، حدیث ۴۸.

می‌رسد. از ابتدای تاریخ، که در دوره های مختلف دچار تغییراتی گردیده و تا عصر بعثت پیامبر ﷺ در میان امتهای و ملت‌های مرسوم بوده است. از طرف دیگر از روایات استفاده می‌شود که، مجسمه بسیاری از بت‌ها، اشکال پیامبران و افراد نیک مانند: آدم، حواء، شیث، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، مریم علیهم‌السلام، وجود داشت و حتی بیشتر این بت‌ها در اطراف کعبه داخل کعبه گذارده شده بودند که وقتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیرالمؤمنین علیه‌السلام اقدام به شکستن بت‌ها و پاک‌سازی کعبه از مجسمه‌ها و بت‌ها کردند. در میان اصنام و نقاشی‌ها، شمایل حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهم‌السلام بود. ^۱ ننانک گذشت از این هنر، مانند بیشتر نعمت‌های الهی، بهره‌براری منفی شده است. در ابتدا مجسمه‌سازی و نقاشی بزرگان به خاطر یادگاری پاسبانی از خاطرات و بزرگداشت آنها بوده است. ولی رفته رفته منحرف شده و اسباب مهم شیوع بت‌پرستی و شرک شده است. ^۲

۱. البداية و النهاية: ۴، ۳۴۶، مسند أحمد (۱: ۲۷۷)، صحيح بخاری: ۴، ۱۱۱، السنن الكبرى

(بيهقي): ۵، ۱۵۸.

۲. يعقوبي در این باره می‌نویسد: «وكان في زمن ساروغ أول ما عبدت الأصنام وكان أول شأن الأصنام ان الناس كان اذا مات لأحدهم الميت الذي يعز عليهم من أب أو أخ أو ولد صنع صنماً على صورته وسماه باسمه فلما أدرك الخلف الذي بعدهم ظنوا، وحدثهم الشيطان، انه انما صنعت هذه لتعبد، فعبدوها، ثم

حس هنرجویی و طبع هنر دوستی جزء استعدادهای پنهان هر انسان و از خواسته‌های روانی اوست. مجسمه‌سازی و نقاشی همیشه هنر پیشرفته محسوب می‌شده است و علامت تمدن و فکر و خلاقیت و دارای فوائد علمی و هنری بوده است و برای بسیاری از اهداف اجتماعی مثل یادبود بزرگان و یا استفاده در آموزش مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

حجت الله نیکی ملکی

۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۴ - اول رجب ۱۴۳۶

برابر امامت با معادلت امام محمد باقر علیه السلام

فرق الله دينهم فمنهم من عبد الأصنام ومنهم من عبد الشمس... سنهم الزیطان و اضلهم و اطغاهم.

تاریخ یعقوبی: ۱: ۲۱.

اولین کسی که بت‌ها را می‌پرستید در زمان ساروغ بود و این همان کسی بود که بت‌هاشان و منزلت پیدا کردند. اگر از مردم کسی که برایشان عزیز بود - مثل پدر و برادر و فرزندی - فوت می‌شد، تندیس به شکل و نام وی می‌ساخت. پس زمانی که بعد از ایش سردی آن را درک می‌کرد (می‌دید) گمان می‌کرد - و شیطان آنها را گمراه می‌نمود - که این تندیس برای عبادت ساخته شده است، پس به عبادت آن مشغول می‌شد. خداوند دین آنها را جدا کرد؛ گروهی بت‌ها را پرستیدند و گروهی خورشید را عبادت نمودند..... پس شیطان آنها را فریب داده گمراه کرد و سرانجام به طغیان واداشت.